

عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان باوی استان خوزستان

مرضیه موسوی و مسعود یزدان پناه^۱

دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی پایدار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان. Marziehmousavi66@yahoo.com

دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان. masoudyazdan@gmail.com

دریافت: مرداد ۱۳۹۹ و پذیرش: آبان ۱۳۹۹

چکیده

از جمله چالش‌های اساسی در حوزه کشاورزی که در سال‌های اخیر تشدید گردیده، مسئله تغییر کاربری اراضی می‌باشد. این مسئله در طولانی مدت، اثرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شدیدی به مناطق روستایی و با حتی فراتر از آن مناطق وارد خواهد کرد. عوامل زیادی بر تغییر کاربری اراضی تأثیر دارد و با شناخت آنها می‌توان سیاست‌های مؤثری جهت کاهش این بحران تدوین نمود. هدف تحقیق حاضر تحلیل عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان باوی می‌باشد. این مطالعه با روش کیفی انجام گردید. جامعه آماری بکار رفته در این پژوهش شامل کشاورزان شهرستان باوی است که اراضی کشاورزی خود را به صورت مجاز و غیرمجاز تغییر کاربری داده‌اند. روش نمونه‌گیری بر مبنای اصول روش "گلوله برفی" انجام شد. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه با کاربران انجام و اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. عوامل اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و قانونی و توسعه بی‌رویه فضایی به عنوان علل تغییر کاربری اراضی کشاورزی شناسایی شدند. با توجه به نتایج، توصیه‌هایی برای اصلاح و بهبود وضعیت فعلی تغییر بی‌رویه کاربری اراضی در منطقه مطالعه شده ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: تغییر کاربری، اراضی کشاورزی، شهرستان باوی

^۱ - آدرس نویسنده مسئول: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

مقدمه

فعالیت‌های زراعی می‌تواند از عوامل دیگر تأثیرگذار بر تغییر کاربری اراضی و از بین رفتن عرصه‌های طبیعی باشد (قربانی و همکاران، ۱۳۸۹). در این راستا، لمبین و همکاران (۲۰۰۳)، علل اساسی تغییر کاربری اراضی را عواملی همچون: کمبود منابع تولید منجر به افزایش فشار بر منابع؛ تغییر فرصت‌های ایجاد شده توسط بازارها؛ مداخله‌های سیاست خارجی؛ کاهش ظرفیت سازگاری و افزایش آسیب‌پذیری، تغییر در سازمان‌های اجتماعی جهت دسترسی به منابع و تغییر نگرش افراد می‌دانند. به علاوه، سوادکوهی جنوبی و سیفی (۱۳۹۴) اظهار داشتند که نارضایتی کشاورزان از درآمدهای کشاورزی و عدم دریافت تسهیلات مناسب و یا طولانی شدن زمان دریافت خسارت‌ها، موجب عدم رغبت آن‌ها می‌شود. در نهایت این روند باعث می‌شود که کشاورزان از تولید محصولات دست کشیده و به شغل‌های دیگری از جمله دامداری و غیره روی آورند و تمایل آن‌ها به تغییر شیوه معیشت، فروش زمین و در نهایت تغییر کاربری اراضی افزایش یابد.

زمین و نحوه استفاده از آن برای همه جوامع انسانی، به ویژه برای جوامع روستایی که معیشت بسیاری از آنها به طور مستقیم به این منابع وابسته است و نقش مهمی در تعریف هویت منطقه و آن جامعه دارد، ضروری است. همچنین، تغییرات در کاربری اراضی می‌تواند بر زندگی شخصی، خانوادگی، کار و زندگی اجتماعی افراد ساکن در جوامع روستایی و شهری، تاثیر عمیقی داشته باشد (شرمر و همکاران، ۲۰۰۹).

کاربری اراضی عبارتست از الگوها، فعالیت‌ها و نهاده‌هایی که افراد در یک نوع از پوشش اراضی خاص به منظور انجام عملیات تولیدی یا تغییر و حفاظت از آن به کار می‌گیرند (دهقان و فلسفیان، ۱۳۹۷). کاربری اراضی در مفهوم کلی، در وضعیت موجود در برگیرنده کاربری در بخش‌های مختلف کشاورزی، منابع طبیعی، مسکونی، تجاری و صنعت می‌باشد. تغییر کاربری اراضی کشاورزی عبارت از فرایندی که زمین از کشاورزی به

تقاضا برای زمین‌های کشاورزی تحت تأثیر تقاضای محلی برای محصولات کشاورزی، تجارت جهانی، تغییرات تکنولوژیکی، سیاست‌های دولت و ترجیحات اجتماعی قرار می‌گیرد. با افزایش جمعیت و رشد اقتصادی، تقاضا برای زمین به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع تولید طبیعی افزایش پیدا می‌کند. با افزایش تقاضا برای زمین، فشار مضاعفی بر کاربری‌های سنتی زمین همچون کشاورزی برای تغییر کاربری وارد می‌شود (مولایی و آقایی، ۱۳۹۷). امروزه رشد جمعیت از یک سو و محدودیت منابع از سوی دیگر، زمینه‌ساز مسائل و مشکلاتی در ارتباط با کاهش سطح اراضی طبیعی شده است. در بعد کلان عواملی مانند اقتصاد جهانی و تغییر اقلیم، تغییرات کاربری زمین به ویژه در بخش منابع طبیعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مقیاس خرد نیز، مسائلی مانند تغییرات جمعیتی، توسعه سریع شهری و سیاست‌های محلی، تغییرات وسیعی در الگوی کاربری اراضی ایجاد می‌نماید (ووینوو و همکاران، ۲۰۰۸). بالا بودن هزینه‌های تولید محصولات، درآمدهای پایین، فصلی بودن اکثر محصولات بخش کشاورزی در مقایسه با فعالیت‌های بخش صنعت و خدمات، عدم ایجاد جذابیت و انگیزه کافی مادی برای بهره‌برداران این بخش، تمایل آنها را به استمرار اشتغال در بخش کشاورزی کاهش می‌دهد (سعدی و عوافی اکمل، ۱۳۹۷). بیکاری اقتصادی- اجتماعی و افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، توسعه نامتوازن شهرها و شهرک‌ها و رشد حاشیه‌نشینی، وابستگی به بیگانگان، کاهش درآمد کشاورزان، افت شدید و غیرقابل جبران کیفیت و کمیت تولیدات کشاورزی، کاهش سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی به ویژه در اراضی مرغوب، خروج عرصه‌های کشاورزی از چرخه تولید و تغییر اقلیم از بزرگترین مشکلات ناشی از تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی به شمار می‌روند (کانادل، ۲۰۰۲). همچنین بهره‌وری پایین فعالیت‌های کشاورزی و عدم اشتغال به

دیگر کاربردها تبدیل و تغییر می‌یابد و برای تولیدات کشاورزی از آن استفاده نمی‌شود (کرباسی و همکاران، ۱۳۹۷).

در حال حاضر تغییر کاربری اراضی کشاورزی پس از کم آبی، دومین مشکل اساسی کشاورزی ایران محسوب می‌شود (قدیمی و همکاران، ۱۳۹۷) و نمونه‌ای مهم از تأثیرگذاری انسان بر محیط زیست به شمار می‌رود. این امر سبب نابودی بخش اعظمی از زمین‌های کشاورزی شده و از دیدگاه امنیت غذایی، خودکفایی و اشتغال پایدار جامعه روستایی، پیامدهای بسیاری را در پی داشته است (درویدیان و درویدیان، ۱۳۹۷). روند سریع تغییر کاربری اراضی کشاورزی علاوه بر خلل در روند و میزان تولیدات کشاورزی مورد نیاز در کشور، می‌تواند آثار منفی طبیعی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی نیز به دنبال داشته باشد (یزدانی، ۱۳۹۴). در سالیان اخیر به دلیل افزایش روزافزون جمعیت و شهرنشینی، توسعه و گسترش فضاهای شهری - صنعتی، فضاهای سبز به ویژه اراضی مرتعی، زراعی و باغی اطراف شهرها به شدت در معرض تخریب و تبدیل قرار گرفته است و آمارها حکایت از گسترش بی‌رویه تخریب این فضاها دارند، به طوری که هم‌اکنون در ایران آمارها نمایانگر آهنگ سریع تغییر کاربری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی به خصوص در حاشیه کلان‌شهرهای کشور است. به گونه‌ای که از سال ۱۳۳۴ تاکنون، مساحت اراضی تغییر کاربری یافته صرفاً در اطراف هفت کلانشهر کشور (تهران، اصفهان، کرج، مشهد، اهواز، شیراز و تبریز) ۵۷۰۶۱۶ هکتار از اراضی مرغوب کشاورزی و منابع طبیعی تخمین زده می‌شود (جهانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۶).

متأسفانه سیر صعودی پدیده تغییر کاربری اراضی در سالیان اخیر به گونه‌ای است که علیرغم تصویب قانون حفظ کاربری اراضی در سال ۱۳۷۴، تاکنون بیش از ۱۴۰ هزار هکتار از اراضی از گردونه تولید خارج شده (۲۰ هزار هکتار در سال) و تغییر کاربری داده‌اند. به همین دلیل روند تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی نه

تنها بسیار نگران‌کننده است (مولایی و آقایی، ۱۳۹۷) بلکه، فشار صنعت، گردشگری، بحران کم‌آبی و کاهش حاصلخیزی و بهره‌وری بخش کشاورزی، تغییر سبک زندگی روستاییان، خلأ قوانین بازدارنده و فساد اداری، حفاظت از اراضی کشاورزی را دشوارتر می‌کند (درویدیان و درویدیان، ۱۳۹۷). مطیعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی اثرات اقتصادی تغییر کاربری اراضی کشاورزی در نواحی روستایی دهستان لیچارکی حسن رود بندر انزلی به این نتیجه رسیدند که تغییر کاربری اراضی باعث افزایش کاذب قیمت زمین و هزینه زندگی و موجب ایجاد اشتغال و افزایش درآمد در منطقه شده است. همچنین، امیرنژاد (۱۳۹۲) بیان می‌کند که نارضایتی کشاورزان از برنامه‌های صندوق بیمه، عدم دریافت خسارت و یا طولانی شدن زمان دریافت خسارت موجب می‌شود تا کشاورزان نسبت به انجام فعالیت‌های کشاورزی بی‌ رغبت شده و انگیزه خود را از دست دهند. در نهایت، این روند باعث می‌شود تا کشاورزان به تغییر کاربری روی آورند. از سوی دیگر، در مطالعه احمدپور و علوی (۱۳۹۳) عوامل اجتماعی - اقتصادی؛ جغرافیایی؛ روانشناختی؛ مهاجرت؛ سیاستگذاری و برنامه‌ریزی؛ مدیریت ریسک؛ مهیا نبودن شرایط اولیه کشت و کار؛ عدم دسترسی به نهاده‌های تولید و بالابودن قیمت نهاده‌ها از متغیرهای مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی شناسایی شدند. نتیجه مطالعه دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که قیمت پایین محصولات کشاورزی، مخارج بالای زندگی و به صرفه نبودن درآمد کشاورزی، تورم بالا در جامعه و ارزش بیشتر خود زمین تا کشاورزی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی و افزایش جمعیت ساکنان بومی روستا، عدم تمایل جوانان به فعالیت‌های کشاورزی، تغییر استانداردهای زندگی و تمایل به شهرنشینی از عوامل اجتماعی مؤثر در تغییر کاربری اراضی بودند. یافته‌های تحقیق متوسلی و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر آن است که در تغییر کاربری‌ها میزان تأثیرگذاری عوامل جمعیتی و طبیعی مهم‌ترین عوامل بوده و دو عامل قانونی و اقتصادی را تحت‌الشعاع

قرار داده است. همچنین، امینی و همکاران (۱۳۹۶) کسب سود زیاد از فروش زمین، افزایش قیمت زمین، نداشتن درآمد کافی در بخش کشاورزی، افزایش تعداد مشاورین املاک، افزایش تعداد دلالتان زمین و مسکن در روستاها را در تغییر کاربری اراضی کشاورزی مؤثر دانسته‌اند. مشیری و قماش‌پسند (۱۳۹۱) معتقدند، قوانین تغییر کاربری در حفاظت از اراضی کشاورزی چندان کارساز نبوده و تغییرات کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی در روستاهای مورد مطالعه به خصوص روستاهای پیرامونی حوزه نفوذ مشهودتر است. نتایج تحقیق دهقان و فلسفیان (۱۳۹۷) نشان داد که عوامل اقتصادی مانند درآمد پیش‌بینی شده از تغییر کاربری جدید، افزایش ارزش زمین، افزایش درآمد حاصل از اشتغال غیرکشاورزی و فعالیت‌های غیرزراعی درون‌بخشی (تنوع درآمدی کشاورزی) اثرات مثبتی بر تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی دارند. همچنین، تعداد افراد شاغل در خانوارها اثر معنی‌داری بر حفظ کاربری اراضی دارد، بطوری‌که با افزایش تعداد افراد شاغل، احتمال تغییر کاربری کاهش می‌یابد. نتیجه مطالعه هریس (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که ضعف نظارت‌ها، سیاست‌های غلط و سیستم‌های اجتماعی و زیست محیطی نادرست از عوامل اقتصادی- اجتماعی مؤثر در تخریب مراتع فلات تبت در چین بودند. رشد جمعیت، سیستم نگهداری زمین، شرایط بازار محصولات کشاورزی، سطح درآمد و سطح تحصیلات، باورها و نگرش‌ها (انزوندنا، ۲۰۱۱)؛ جمعیت، تکنولوژی و اقتصاد، ویژگی‌های بیوفیزیکی زمین مانند خاک، توپوگرافی و آب و هوا باعث تغییر کاربری زمین شده است (می‌یایان و همکاران، ۲۰۱۴).

در طی سال‌های اخیر، افزایش تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی در استان خوزستان نگران‌کننده است. از یک سو، فرسایش و تخریب خاک، اجرای پروژه‌های عمرانی و توسعه شهرنشینی از جمله دلایل کاهش اراضی کشاورزی در استان خوزستان می‌باشد. از سوی دیگر، مهاجرت‌پذیری، سودجویی، عدم همکاری

دستگاه‌های اجرایی در راستای ساخت و ساز غیرمجاز از جمله عوامل تشدیدکننده تغییر کاربری زمین‌های زراعی در این استان می‌باشد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳). در شهرستان باوی در فاصله سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷، ۴۵ مورد پرونده تخلف تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی در مدیریت امور اراضی شهرستان ثبت شده است که بالغ بر ۵۰ هکتار از اراضی کشاورزی این شهرستان به منظور ساخت و ساز تغییر کاربری داده شد. همچنین، در فاصله سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۷ تعداد ۲۹۴ پرونده ثبت گردید که در قالب این تعداد، بالغ بر ۳۰۰ هکتار از اراضی کشاورزی شهرستان به صورت مجاز تغییر کاربری شدند. در این راستا، با توجه به اهمیت این منبع ارزشمند در چشم‌اندازهای کشاورزی، بدیهی است که حفاظت و مدیریت آن توسط کاربران ضروری به نظر می‌رسد و باید عوامل مؤثر بر این شرایط مورد تحلیل قرار گیرد و به حفظ زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها برای خودکفایی توجه بیشتری صورت گیرد. در نتیجه، ضرورت مطالعه و تحلیل عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی، می‌تواند راهگشای سیاستگذاران این حوزه در راستای شناسایی و آگاهی از این قبیل عوامل و در نتیجه جلوگیری از پیامدهای حاصل از آن باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این سؤال است که چه عواملی باعث تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان باوی می‌شود؟

پژوهش‌های مختلفی در زمینه عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی وجود دارد. با این حال پژوهش‌های جامع و گسترده در این زمینه در خوزستان و به ویژه در شهرستان باوی تاکنون صورت نپذیرفته است. به علاوه، بیشتر پژوهش‌های گذشته از دیدگاه افراد بیرونی و به روش کمی به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. این مطالعه سعی دارد با روش کیفی و از زاویه دید خود کشاورزان دلایل تغییر کاربری اراضی کشاورزی را مورد بررسی قرار دهد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان باوی با استفاده از روش تحقیق کیفی انجام گردید. پژوهش کیفی فرایند پیچیده‌ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتاً طولانی بوده و داده‌ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می‌شوند. روش جمع‌آوری اطلاعات به شیوه پیمایشی و از طریق مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی انجام شد. جامعه آماری بکار رفته در این پژوهش شامل کشاورزان شهرستان باوی است که اراضی کشاورزی خود را به صورت مجاز و غیرمجاز تغییر کاربری داده‌اند. جامعه آماری به روش ارجاع زنجیره‌ای انتخاب شد. روش نمونه‌گیری بر مبنای اصول روش "گلوله برفی" انجام شد. در این روش، ابتدا با مراجعه به اداره کاربری اراضی در مرکز خدمات کشاورزی شهرستان باوی فهرستی از اراضی کشاورزی که طی ۱۰ سال گذشته تغییر کاربری داده شدند، استخراج شد. سپس به محل‌های مورد نظر مراجعه و با مالکان اراضی مصاحبه انجام شد. در این مطالعه با ۳۴ نفر مصاحبه انجام شد که از مصاحبه بیست و سوم به بعد محقق به اشباع نظری دست یافت، یعنی نقطه‌ای که مفاهیم به خوبی تعریف و تبیین شدند. با اینحال برای اطمینان از این امر تا مصاحبه ۳۴ فرایند ادامه یافت. مصاحبه عمیق علاوه بر پرسش در مورد برخی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای مصاحبه شونده‌ها، با طرح سؤال‌هایی در مورد ضرورت و انگیزه تغییر کاربری اراضی کشاورزی آغاز شد و بقیه پرسش‌ها براساس پاسخ‌های مصاحبه شونده طرح می‌شد. مطالب گردآوری

شده حاصل از مصاحبه‌ها در نهایت مورد تحلیل قرار گرفتند.

نتایج

نتایج آمار توصیفی نشان داد، همه پاسخگویان این مطالعه مرد (۱۰۰ درصد) بودند. از طرفی، توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سن نشان داد، ۱۴/۷ درصد بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۵۲/۹ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۱۷/۶ درصد ۵۱ تا ۶۰ سال و ۱۴/۷ درصد بالاتر از ۶۰ سال سن داشتند. میانگین سن پاسخگویان در نمونه تحقیق ۴۹/۲۴ سال، انحراف معیار ۱۰/۱۱۵، کمینه سن ۳۰ سال و بیشینه ۷۳ سال بود. همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان براساس میزان تحصیلات نشان داد، ۲/۹ درصد بیسواد، ۱۴/۷ درصد ابتدایی، ۲۰/۶ درصد راهنمایی، ۵/۹ درصد دبیرستان، ۴۱/۲ درصد دیپلم، ۲/۹ درصد فوق دیپلم و ۱۱/۸ درصد لیسانس بودند. شغل اصلی ۵۲/۹ درصد پاسخگویان کشاورزی بود. ۱۴/۷ درصد شاغل بخش دولتی و ۳۲/۴ درصد شغل آزاد داشتند. از لحاظ میزان زمین تغییر کاربری شده نیز نتایج نشان داد ۱۱/۸ درصد کشاورزان کمتر از یک هکتار، ۷۹/۴ درصد بین یک تا دو هکتار و ۸/۷ درصد بیشتر از سه هکتار را تغییر کاربری داده‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات از جامعه مورد مطالعه به بررسی مصاحبه‌ها و یادداشت‌های مربوطه اقدام گردید. پس از چند بار مرور یادداشت‌ها، موارد مشابه حذف شد. گویه‌های حاصل از مصاحبه با کشاورزان در قالب ۲۹ مفهوم اصلی در جدول شماره (۱) خلاصه و ارائه شده است. در جدول شماره (۲) مفاهیم شناسایی شده در قالب عامل‌هایی مشخص دسته‌بندی گردیده‌اند.

جدول ۱- مفاهیم شناسایی شده حاصل از مصاحبه با کشاورزان

ردیف	مفهوم	ردیف	مفهوم
۱	مقرون به صرفه نبودن کشت دیم	۱۵	دریافت وام و تسهیلات جهت ایجاد شغل
۲	ممانعت برداشت از چاه جهت آبیاری توسط اداره آب	۱۶	ایجاد تحریم و افزایش تورم
۳	جلوگیری قانونی جهت کشت و کار	۱۷	لزوم توسعه فضای شهری
۴	لزوم توسعه فضای روستایی	۱۸	بیکاری و نداشتن شغل و درآمد
۵	نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی و زیرساخت‌ها	۱۹	افزایش جمعیت و تعداد خانوارهای ساکن روستا
۶	عدم توانایی مالی جهت تسطیح زمین زراعی	۲۰	تقسیم زمین بین ورثه‌ها و در نتیجه کوچک شدن آن
۷	ممانعت اداره آب جهت احداث چاه به دلیل کمبود آب	۲۱	افزایش سن کشاورز و عدم توانایی و حوصله کشاورزی
۸	پایین بودن عملکرد در واحد سطح و کاهش سود	۲۲	اجبار شهرداری جهت تبدیل زمین‌های زراعی به زمین شهری
۹	نداشتن وقت جهت کار کشاورزی به دلیل داشتن شغل آزاد	۲۳	نداشتن بیمه و حقوق بازنشستگی
۱۰	کمبود یا نبود منزل مسکونی و در نتیجه اجاره نشینی	۲۴	عدم توانایی مالی بعضی از روستاییان برای سکونت در شهر
۱۱	فروش زمین‌های بدون سند توسط اداره منابع طبیعی به افراد بومی و غیربومی	۲۵	تعرض کشاورزان همسایه به زمین و سوء استفاده از عدم حضور مالک
۱۲	تبدیل زمین‌های کشاورزی به زمین شهری جهت بالا رفتن قیمت و ارزش زمین	۲۶	بدون سند بودن بعضی از زمین‌های زراعی و در نتیجه مصادره توسط منابع طبیعی
۱۳	جلوگیری از توسعه فضای روستا در زمین‌های غیر زراعی به دلیل عبور دو خط لوله گاز و نفت	۲۷	قرار گرفتن زمین در طرح توسعه فضای شهری و ممانعت قانونی جهت فعالیت کشاورزی
۱۴	ممانعت همسایه‌ها جهت کشت آبی به دلیل نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی	۲۸	عدم نیاز به درآمد کشاورزی به دلیل شاغل بودن در بخش دولتی
		۲۹	خرید بعضی از اراضی توسط افراد غیر بومی و احداث باغ ویلا، کشتارگاه، کارخانه رب گوجه و ...

بحث و نتیجه گیری

با رشد روز افزون جمعیت و صنعتی شدن جوامع بشری، تغییرات گسترده‌ای در کاربری اراضی کشاورزی صورت گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، در نتیجه تغییر کاربری اراضی کشاورزی سالیانه بخش عمده‌ای از اراضی از چرخه تولید خارج می‌شود. تغییر کاربری اراضی کشاورزی امری اجتناب‌ناپذیر بوده و مقاومت صرف در مقابل آن تا حدود زیادی ناممکن به نظر می‌رسد. با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش، عامل اقتصادی عمده‌ترین دلیل تغییر کاربری اراضی کشاورزی در شهرستان باوی شناسایی شده است. این نتیجه با نتایج پژوهش احمدپور و علوی (۱۳۹۳)؛ دربان آستانه و همکاران (۱۳۹۵)؛ متوسلی و همکاران (۱۳۹۵)؛ مشیری و قماش‌پسند (۱۳۹۷)؛ هریس (۲۰۱۰) و انزوندا (۲۰۱۱) سازگار است. در این راستا پاسخگویان گویه‌های مقرون به صرفه نبودن کشت دیم، تبدیل زمین‌های کشاورزی به زمین شهری جهت بالا رفتن قیمت و ارزش زمین، خرید بعضی از اراضی توسط افراد غیر بومی و احداث باغ ویلا، کشتارگاه، کارخانه رب

گوجه و ...، دریافت وام و تسهیلات جهت ایجاد شغل، عدم توانایی مالی جهت تسطیح زمین زراعی، ایجاد تحریم و افزایش تورم، پایین بودن عملکرد در واحد سطح و کاهش سود، عدم توانایی مالی بعضی از روستاییان برای سکونت در شهر، تقسیم زمین بین ورثه‌ها و در نتیجه کوچک شدن آن، نداشتن بیمه و حقوق بازنشستگی، عدم نیاز به درآمد کشاورزی به دلیل شاغل بودن در بخش دولتی، بیکاری و نداشتن شغل و درآمد را بیان داشته‌اند. بررسی در میان تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش بیکاری، کاهش درآمد کشاورزان، کاهش شدید و غیرقابل جبران کیفیت و کمیت تولیدات کشاورزی و سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی و تغییر اقلیم (کانادل، ۲۰۰۲) مشکلات اقتصادی مردم، درآمد پایین، افزایش هزینه‌های زندگی و کشاورزی، به صرفه نبودن فعالیت‌های کشاورزی و مشکلات مربوط به بازاریابی و فروش محصولات، نداشتن پشتوانه مالی، افزایش کاذب قیمت زمین و مسکن نیز از مهمترین عوامل اقتصادی تغییر کاربری هستند

دست آمده از پژوهش، عامل حقوقی و قانونی یکی دیگر از علل تغییر کاربری اراضی کشاورزی شناسایی شد. این نتیجه با نتایج پژوهش متوسلی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

(درودیان و درودیان، ۱۳۹۷). این مسئله که قابلیت درآمدزایی و سودآوری فعالیت کشاورزی پایین است در بسیاری از موارد قابل انکار نیست، به طوری که در بسیاری از موارد باعث ترغیب افراد به فعالیت در بخش‌های غیرکشاورزی شده است. با توجه به نتایج به

جدول ۲- دسته‌بندی مفاهیم حاصل از مصاحبه با کشاورزان

عامل	مفاهیم
عوامل اقتصادی	مقرون به صرفه نبودن کشت دیم تبدیل زمین‌های کشاورزی به زمین شهری جهت بالا رفتن قیمت و ارزش زمین خرید بعضی از اراضی توسط افراد غیر بومی و احداث باغ ویلا، کشتارگاه، کارخانه رب گوجه و ... دریافت وام و تسهیلات جهت ایجاد شغل عدم توانایی مالی جهت تسطیح زمین زراعی ایجاد تحریم و افزایش تورم پایین بودن عملکرد در واحد سطح و کاهش سود عدم توانایی مالی بعضی از روستاییان برای سکونت در شهر تقسیم زمین بین ورثه‌ها و در نتیجه کوچک شدن آن نداشتن بیمه و حقوق بازنشستگی عدم نیاز به درآمد کشاورزی به دلیل شاغل بودن در بخش دولتی بیکاری و نداشتن شغل و درآمد
عوامل حقوقی و قانونی	بدون سند بودن بعضی از زمین‌های زراعی و در نتیجه مصادره توسط منابع طبیعی جلوگیری از توسعه فضای روستا در زمین‌های غیر زراعی به دلیل عبور دو خط لوله گاز و نفت جلوگیری اداره آب جهت احداث چاه به دلیل کمبود آب ممانعت برداشت از چاه‌های احداث شده جهت آبیاری توسط اداره آب جلوگیری قانونی جهت کشت و کار اجبار شهرداری جهت تبدیل زمین‌های زراعی به زمین شهری قرار گرفتن زمین در طرح توسعه فضای شهری و عدم اجازه قانونی جهت فعالیت کشاورزی فروش زمین‌های بدون سند توسط اداره منابع طبیعی به افراد بومی و غیر بومی
عوامل اجتماعی	نداشتن وقت کافی جهت کار کشاورزی به دلیل داشتن شغل آزاد ممانعت همسایه‌ها جهت کشت آبی به دلیل نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی کمبود یا نبود منزل مسکونی و در نتیجه اجاره نشینی افزایش جمعیت و تعداد خانوارهای ساکن روستا تعرض کشاورزان همسایه به زمین و سوء استفاده از عدم حضور مالک افزایش سن کشاورز و عدم توانایی و حوصله کشاورزی
توسعه بی‌رویه فضایی	لزوم توسعه فضای روستایی نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی و زیرساخت‌ها لزوم توسعه فضای شهری

احداث شده جهت آبیاری توسط اداره آب، ممانعت قانونی جهت کشت و کار، اجبار شهرداری جهت تبدیل زمین‌های زراعی به زمین شهری، قرار گرفتن زمین در طرح توسعه فضای شهری و جلوگیری قانونی جهت فعالیت کشاورزی، فروش زمین‌های بدون سند توسط

بدون سند بودن بعضی از زمین‌های زراعی و در نتیجه مصادره توسط منابع طبیعی، ممانعت از توسعه فضای روستا در زمین‌های غیر زراعی به دلیل عبور دو خط لوله گاز و نفت، اجازه ندادن اداره آب جهت احداث چاه به دلیل کمبود آب، ممانعت برداشت از چاه‌های

اداره منابع طبیعی به افراد بومی و غیر بومی از جمله مواردی بود که پاسخگویان ذکر نموده‌اند. تنریومیس (۲۰۰۳) معتقد است هنگامی که مزارع تولیدی برای صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه گردشگری استفاده می‌شوند، برای استفاده پایدار از زمین‌های کشاورزی، مقررات قانونی و حقوقی جدید لازم است که نگرانی‌های زیست محیطی و سیاست‌های نادرست کشاورزی را کاهش دهد. این مقررات باید با توجه به کاربری چندگانه زمین‌های کشاورزی و حفظ دقیق زمین‌های کشاورزی اولیه تعریف شوند.

در ارتباط با عوامل اجتماعی می‌توان بیان نمود که از دیدگاه پاسخگویان، وقت کافی نداشتن جهت کار کشاورزی به دلیل داشتن شغل آزاد، ممانعت همسایه‌ها جهت کشت آبی به دلیل نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی، کمبود یا نبود منزل مسکونی و در نتیجه اجاره‌نشینی، افزایش جمعیت و تعداد خانوارهای ساکن روستا، تعرض کشاورزان همسایه به زمین و سوء استفاده از عدم حضور مالک، افزایش سن کشاورز و عدم توانایی و حوصله کشاورزی از جمله دلایل اجتماعی می‌باشند که موجب تغییر کاربری اراضی کشاورزی گردیده است. این نتیجه با یافته‌های احمدپور و علوی (۱۳۹۳)؛ دربان‌آستانه و همکاران (۱۳۹۵)؛ مشیری و قماش‌پسند (۱۳۹۷) و هریس (۲۰۱۰) مطابقت دارد. کشاورزان فعالیت کشاورزی را به لحاظ وجهه اجتماعی در خور احترام نمی‌دانند و به این دلیل به فعالیت در بخش کشاورزی تمایلی ندارند و به سمت تغییر کاربری اراضی اقدام می‌کنند. به نظر می‌رسد برداشتی که کشاورزان به لحاظ وجه اجتماعی نسبت به شغل خود دارند، واقعیتی است که در جامعه وجود دارد، به این صورت که نگرش افراد بیرونی نسبت به شغل کشاورزی، بر دیدگاه کشاورزان اثر می‌گذارد و آن‌ها را در ترغیب به تغییر شغل سوق می‌دهد.

نتایج پژوهش نشان داد که ضرورت توسعه بی‌رویه فضایی شهرها و روستاها نیز یکی دیگر از دلایل

تغییر کاربری اراضی کشاورزی در منطقه مورد پژوهش می‌باشد. این نتیجه با مطالعه مشیری و قماش‌پسند (۱۳۹۷) همخوانی دارد. پاسخگویان مواردی مانند لزوم توسعه فضای شهری و روستایی و همچنین، نزدیک بودن زمین به منازل مسکونی و زیرساخت‌ها را در تغییر کاربری اراضی کشاورزی خود دخیل می‌دانند. امینی و همکاران (۱۳۹۶) بیان کرده‌اند ایران طی چند دهه گذشته شاهد تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستاها به کاربری مسکونی، تجاری- خدماتی و صنعتی بوده است که مجموعه‌ای از عوامل مختلف نظیر مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و نیاز به گسترش و توسعه شهرها در آن تأثیر گذار بوده است. بعلاوه امیرانتخابی (۱۳۹۲) اظهار داشتند، در ایران به علت محدودیت اراضی زراعی و عدم تناسب آن با رشد جمعیت، حفظ اراضی زراعی حاصلخیز امری بسیار ضروری به شمار می‌رود؛ اما علیرغم تأکیدها و پافشاری‌هایی که مسئولین و کارشناسان در این باره مطرح نموده‌اند، اراضی کشاورزی در برابر توسعه بافت‌های مسکونی روستایی و شهری در حال پسروی است. سووانویراک و چانتالوچا (۲۰۱۲) نیز معتقدند نتیجه این امر، مسائلی همچون استفاده از زمین‌های کشاورزی برای گسترش فضای شهری و روستایی، استفاده از زمین‌های نامساعد برای کشاورزی و تعرض به جنگل برای کشاورزی و مسکن را در پی خواهد داشت. در راستای نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱- آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های مربوط به قوانین مربوط به منع کاربری اراضی کشاورزی، توسط نهادهای مسئول به دقت تهیه و اجرا گردد و به صورت شفاف به کشاورزان اطلاع‌رسانی گردند؛

۲- به دنبال کاهش درآمد کشاورزان به دلیل خرد بودن اراضی، اهمیت حفظ اراضی زراعی بسیار کم رنگ بوده و این اراضی با وجود درآمد پایین بخش کشاورزی بیش از پیش در خطر نابودی قرار خواهند گرفت؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود دولت جهت حمایت درآمدی از کشاورزان با اعطای تسهیلات مالی کم‌بهره و دوره بازگشت بلندمدت

۴- رشد جمعیت و نیاز به مسکن از دیگر عوامل تغییر کاربری اراضی محسوب می‌شود. افزایش جمعیت از یک سو و تبدیل قسمت عمده‌ای از اراضی، به ویژه اراضی اطراف روستاها به کاربری مسکونی مسئله‌ساز است. بر این اساس مدیریت صحیح و اصولی فضای روستایی و لزوم اهمیت قائل شدن به حریم روستا و نیز جدیت در مواجهه با تغییر کاربری اراضی در این محدوده الزامی است.

۵- قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای تغییر کاربری‌های غیرمجاز و اصلاح قوانین موجود برای جلوگیری از تبدیل هر چه بیشتر اراضی کشاورزی به کاربری‌های غیرکشاورزی تدوین و اجرا شود.

به کشاورزان کم درآمد، می‌تواند نقش مؤثرتری در حفظ اراضی و جلوگیری از تغییر کاربری آنها ایجاد نماید.

۳- برنامه‌ریزی، پشتیبانی و همکاری نهادهای مسئول مانند جهادکشاورزی در راستای اجرای طرح‌هایی که علاوه بر رفع مشکلات موجود (از قبیل عدم دسترسی به منابع آبی و ...)، شرایط اولیه فعالیت‌های کشاورزی را میسر سازند. همانند پیگیری و اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی اراضی در جاهایی که به دلیل خرد و پراکنده بودن زمین‌ها، فعالیت کشاورزی مقرون به صرفه نیست. اجرای این طرح‌ها موجب بهبود و تسهیل در روند تولیدات کشاورزی خواهد شد.

فهرست منابع

۱. احمدپور، ا. و ا. علوی. ۱۳۹۳. شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در تغییر کاربری اراضی کشاورزی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ساری). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳(۳): ۱۰۹-۲۱۲.
۲. امیرانتخابی، ش. ۱۳۹۲. تحول کالبدی- فضایی روستاهای ساحلی گیلان (مطالعه موردی: حوزه زیباکنار). فصل‌نامه برنامه‌ریزی کالبدی- فضایی، ۲(۴): ۱۱۳-۱۲۲.
۳. امیرنژاد، ح. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان جهت تغییر کاربری اراضی در استان مازندران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۵(۴): ۸۷-۱۰۳.
۴. امینی، س.، ب. رحمانی و ب. مجیدی خامنه. ۱۳۹۶. پیامدهای اقتصادی تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری مورد: روستاهای دهستان جی در شهرستان اصفهان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۶(۲): ۱۷-۴۰.
۵. جهانی فر، ک.، ح. امیرنژاد، ز. عابدی و ع.ر. وفایی‌نژاد. ۱۳۹۶. امکان‌سنجی اقتصادی و زیست محیطی تغییر کاربری اراضی مرتعی شرق استان مازندران به کاربری‌های جدید. نشریه علمی پژوهشی مرتع، ۱۱(۲): ۲۰۷-۲۲۱.
۶. خیرگزاری مهر. ۱۳۹۳. افزایش تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی در خوزستان. کد خبر: ۲۳۲۶۴۱۳.
۷. دربان آستانه، ع. ر.، م.ر. رضوانی و ص. صدیقی. ۱۳۹۵. بررسی عوامل اقتصادی و اجتماعی تغییرات کاربری اراضی (مطالعه موردی: شهرستان محمودآباد). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۵(۳): ۱۲۷-۱۴۳.
۸. دورودیان، ح. ر. و ع. درودیان. ۱۳۹۶. پیامدهای اجتماعی و بوم‌شناختی تغییر بی‌رویه کاربری اراضی کشاورزی. نشریه علمی ترویجی مدیریت اراضی، ۵(۲): ۸۱-۹۷.
۹. دهقان، ح. و آ. فلسفیان. ۱۳۹۷. شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ کاربری اراضی کشاورزی در راستای کشاورزی پایدار مطالعه موردی: شهرستان بستان آباد. نشریه دانش کشاورزی و تولید پایدار، ۲۸(۱): ۱۵۱-۱۶۸.
۱۰. سعدی، ح. ا. و ف. عوافی اکل. ۱۳۹۷. عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاهای شهرستان همدان. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷(۲): ۲۱۱-۲۲۶.

۱۱. سوادکوهی جنوبی، ت. و م. سیفی. ۱۳۹۴. بررسی عوامل انسانی تأثیرگذار بر روند تغییرات کاربری اراضی بالادست حوزه آبخیز. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی مدیریت زمین در ایران، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، جلد ۲، مدیریت زمین از منظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ۲۶۹-۲۷۸.
۱۲. کرباسی، ع.ر.، ب. یزدان‌خواه و ح. محمدزاده. ۱۳۹۷. بررسی عوامل مؤثر بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در استان خراسان رضوی. محیط شناسی، ۴۴(۱): ۹۹-۱۱۱.
۱۳. قدیمی، ع. ر.، ع.ح. پاپزن و ع. امینی. ۱۳۹۷. بررسی روند تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تأثیر آن بر مؤلفه‌های توسعه پایدار (مطالعه موردی: حوضه زاینده‌رود استان اصفهان). فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۱(۳): ۴۱-۵۸.
۱۴. قربانی، م.، ع. ا. مهرابی، م. ر. ثروتی و ع. ا. نظری سامانی. ۱۳۸۹. بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی (مطالعه موردی: منطقه بالاظالقان). نشریه مرتع و آبخیزداری، مجله منابع طبیعی ایران، ۶۳(۱): ۷۵-۸۸.
۱۵. متوسلی، ب.، ع. ر. قربانیان، ع. ر. نادریان‌زاده و ح. زارعشاهی. ۱۳۹۵. بررسی عوامل و دلایل تغییر کاربری در طرح‌های هادی روستاهای شهرستان تفت طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۹. مجله مسکن و محیط روستا، ۱۵۵، ۷۷-۹۲.
۱۶. مشیری، ر. و م. ت. قماش‌پسند. ۱۳۹۱. تحلیلی پیرامون اثرات و پیامدهای تغییر کاربری اراضی کشاورزی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان لاهیجان در دهه اخیر. چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، ۷(۲۱): ۱-۱۳.
۱۷. مطیعی لنگرودی، ح.، م. ر. رضوانی، و ز. کاتب ازگمی. ۱۳۹۱. بررسی اثرات اقتصادی تغییر کاربری اراضی کشاورزی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان لیچارکی حسن‌رود بندر انزلی). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱، ۱-۲۳.
۱۸. مولائی، م. و ش. آقایی. ۱۳۹۷. برآورد تمایل به پرداخت برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی کشاورزی با استفاده از روش آزمون انتخاب. فصلنامه اقتصاد و توسعه، ۲۶(۱۰۲): ۵۱-۷۳.
۱۹. یزدانی، س. ۱۳۹۴. بحران تغییر کاربری اراضی کشاورزی در ایران. خبرنامه الکترونیکی انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، ۱۱؛ دی ماه ۱۳۹۴.
20. Canadell, J. G. 2002. Land use effects on terrestrial carbon sources and sinks. Science in China. Series C, 45: 1-9.
21. Harris R.B. 2010. Rangeland degradation on the Qinghai-Tibetan plateau: A review of the evidence of its magnitude and causes. Journal of Arid Environments, (74): 1-12.
22. Lambin, E. F., H.J., Geist, and E. Lepers. 2003. Dynamics of land- use and land- cover change in tropical regions. Annu. Rev. Environ. Resour. 28: 41- 205.
23. Meiyappan, P., M. Dalton, B.C. O'Neill and A.K. Jain. 2014. Spatial modeling of agricultural land use change at global scale. Ecological Modelling, 291: 152-174.
24. Nzunda, N.G. 2011. Socio- Economic factors influencing land use and vegetation cover changes in and agound kagoma forest reserve kagera region, Tanzania. Adissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the master degree of management of natural resources for sustainable agriculture of Sokoine University of agriculture. Morogoro, Tanzania.

25. Schirmer, J. K. Williams, and C. Dunn. 2009. Socio-economic impacts of land use change in the Green Triangle and Central Victoria: Final summary of findings of the Land Use Change project. Forest & Wood Products Australia Limited.
26. Tanrivermis, H. 2003. Agricultural land use change and sustainable use of land resources in the mediterranean region of Turkey. *Journal of Arid Environments*, 54(3): 553- 564.
27. Voinov, A., D. Arctur, I. Zaslavskiy and A. Saleem. 2008. Community-based software tools to support participatory modeling: a vision. *International Congress on Environmental Modeling and Software. IEMSs*: 766-774.

Factors Affecting Agricultural Land Use Change in Bavi County, Khuzestan Province

M. Mousavi and M. Yazdanpanah¹

PhD Student, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Planning, University of Agricultural Sciences and Natural Resources of Khuzestan, Iran. Marziehmousavi66@yahoo.com

Associate Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Planning, University of Agricultural Sciences and Natural Resources of Khuzestan, Iran. masoudyazdan@gmail.com

Received: August 2020, and Accepted: October 2020

Abstract

Land use change is a major challenge to agricultural production that has intensified in recent years. The problem will in the long run have severe economic, social, and environmental repercussions for rural areas and beyond. Identification of the many factors involved allows for effective policies to be formulated and executed in order to reduce the adverse impacts. It is the purpose of this qualitative study to analyze the factors affecting agricultural land use change in Bavi County, Khuzestan. The statistical population used in this study comprises local farmers who committed either authorized or unauthorized land use changes. Sampling is accomplished using the 'snowball' method and data are collected through interviews with users. Analysis of the data thus collected reveals that economic, social, legal, and regulatory factors as well as indiscriminate spatial development may be identified as the causes underlying agricultural lands use changes. Based on the results obtained, recommendations are finally formulated to improve upon the current indiscriminate land use change in the study area.

Keywords: Agricultural land, Land use change, Bavi County

¹-Corresponding author: Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Engineering and Rural Planning, University of Agricultural Sciences and Natural Resources of Khuzestan, Iran.